

# رمان پاورقی و تاریخ سیاسی معاصر: خوانشی تحلیل گفتمانی از رمان ده نفر قزلباش\*

عبدالرسول شاکری<sup>۱</sup> / کاظم دزفولیان<sup>۲</sup>

## چکیده

در پژوهش حاضر گفتمان‌های عمده مقطع زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بررسی شده است. با مشخص نمودن گفتمان‌های سیاسی اصلی در مقطع مورد نظر شامل گفتمان‌های اسلامی، سلطنت‌طلب، ملیت‌گرا و مارکسیستی، به سنجش پیوند آنها و گفتمان‌های موجود در رمان پاورقی ده نفر قزلباش نوشته حسین سخنیار (مسرور) پرداخته شده است. برای کاوش داده‌ها، رویکرد نظری لاکلاو و موفه انتخاب شد. کاوش داده‌ها بر پایه این رویکرد گفتمانی نشان می‌دهد که گونه خاصی از گفتمان ملیت‌گرا در این اثر دیده می‌شود که بُعدهای گفتمان‌های اسلامی و سلطنت‌طلب را در خود مفصل‌بندی کرده است. گفتمانی است بُعدهای مدرن گفتمان‌های سیاسی این مقطع زمانی، شامل گفتمان ناسیونالیسم، سلطنت‌طلب و اسلامی در این مفصل‌بندی دیده نمی‌شود و در موارد بسیاری نسبت به آنها تخاصم وجود دارد. در گفتمان‌های این رمان اثری از بُعدهای گفتمان مارکسیستی دیده نشد.

واژگان کلیدی: رمان پاورقی، سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰، تحلیل گفتمان، رمان ده نفر قزلباش

## Serial Novels and the Contemporary Political History: A Discourse Analysis of Ten Ghezelbash

Abd - alrasoul Shakeri<sup>3</sup> / Kazem Dezfolian<sup>4</sup>

### Abstract

In the present study, major discourses of serial novels published from 1320 to 1332 are investigated. Identifying the dominant political discourses of the period including the Islamic, the Royalist, the Nationalist, and the Marxist discourse, it then attempts to find the links among such discourses in Hossein Sokhanyar's (Masroor) Ten Ghezelbash. The theoretical framework upon which the data analysis here is based is Laclau and Mouffe's discourse theory. This analysis demonstrates that, among other things, there exists in this work a particular variety of the nationalist discourse within which both Islamic and Royalist discourses are articulated. It is worth mentioning that not only the modern dimensions of the major political discourses of the period in question – including the Nationalist, the Royalist, and the Islamic discourse – are not reflected in this work, but that there exists a certain kind of hostility towards them all. For example, there is no trace of the Marxist discourse within the discourses of this serial novel. Keywords: Serial Novel, The Period Between 1320 to 1332, Discourse Analysis. Ten Ghezelbash.

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی \* ۱۳۹۳/۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۸

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی

3. Ph. D in Farsi Language and Literature Email: shakerirasoul@yahoo.com

4. Professor of Farsi Language and Literature. Shahid Beheshti University

## مقدمه

آشنایی ایرانیان با تجدد اگرچه به پیش از دوره مشروطه مربوط است، تأثیرات این آشنایی‌ها بیش‌تر در جنبش مشروطه‌خواهی نمود یافت. پس از آن در دوره پهلوی اول شکلی از تجدد در ایران گسترش یافت. پس از ورود متفکین به ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران، به دلایل متعدد در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ اوضاعی پیش آمد که نوعی فضای باز اجتماعی - سیاسی شکل گرفت. هویت ایرانی که تا اندک‌زمانی پیش از این تحت تأثیر اسلام و ایران باستان بود، از تجدد تأثیرهای بسیار پذیرفت. می‌توان گفت رابطه ادبیات با تاریخ تحولات اجتماعی انکارناشدنی است. بازتاب این رابطه در ادبیات معاصر نیز آشکارتر به نظر می‌رسد. بررسی‌های انجام شده در زمینه ادبیات جدی یا به اصطلاحی دقیق‌تر ادبیات معتبر این دوره نیز ارتباط ایدئولوژی و سیاست را با این آثار تأیید می‌کند.<sup>۵</sup>

اغلب پژوهش‌ها دربارهٔ رمان‌های این دوره به آثار ادبی به اصطلاح معتبر محدود شده است و رمان‌های پاورقی به علت‌های مختلف از جمله عامه‌پسند بودن، کم‌تر در خور پژوهشی جدی دانسته شده‌اند؛ تا جایی که دانسته‌های کنونی ما در این زمینه در حد کتاب‌شناسی کامل این آثار هم نیست.<sup>۶</sup> در ادامه پس از توضیحاتی دربارهٔ اوضاع مطبوعات در این سال‌ها و همچنین رمان پاورقی، با معرفی رویکرد نظری این مقاله و ارائهٔ توضیحاتی در مورد فضای گفتمانی سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰، یکی از معروف‌ترین آثار پاورقی این دوره - رمان ده نفر قزلباش نوشتهٔ حسین سخینار (مسرور) - از نظرگاه ارتباط آن با گفتمان‌های اصلی دورهٔ یادشده بازخوانی می‌شود.

## مطبوعات در سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰

نخستین قانون مطبوعات ایران در ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ (محرّم ۱۳۲۶ ق) در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. سال‌های مشروطه را می‌توان نخستین بهار مطبوعات ایران نامید. پس از چندی با شکست مشروطه، استبداد محمدعلی‌شاهی مطبوعات را به شدت سرکوب کرد. در سال ۱۳۰۱

۵. برای دیدن بحث‌هایی دربارهٔ تمایزگذاری میان ادبیات عامه‌پسند و ادبیات «معتبر» و همچنین اهمیت پژوهش در زمینهٔ ادبیات عامه‌پسند، نک. حسین پاینده، «جایگاه ادبیات عامه‌پسند در مطالعات فرهنگی»، «گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی، چاپ دوم، ویراست جدید (تهران: نیلوفر، ۱۳۹۰)، ص ۳۵۴ - ۳۴۳؛ نیز نک. جان استوری، *مطالعات فرهنگی دربارهٔ فرهنگ عامه*، ترجمهٔ حسین پاینده (تهران: نشر آگه، ۱۳۸۶)، ص ۲۴ - ۱۵ و ۷۹ - ۷۵.

۶. در این زمینه دو اثر یادکردنی است: محمد شمس لنگرودی، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، جلد اول (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۸).  
Kamran Talattof, *The Politics of Writing in Iran: A History of Modern Persian Literature* (Syracuse: Syracuse University Press, 2000), p. 66 - 108.

متمم قانون یادشده به منظور نظارت بیشتر بر مطبوعات در مجلس شورای ملی تصویب شد. در دوره شانزده ساله حکومت رضاشاه مطبوعات تحت کنترل و سانسور شدید دولت قرار داشتند. اما در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ را باید بهار دوم مطبوعات در ایران دانست. فضای باز سیاسی شامل وضعیت مطبوعات نیز شد. مطبوعات با بهره‌مندی از این آزادی‌ها و وضعیت سیاسی موجود از نظر کمی و کیفی رو به پیشرفت گذاشت. از شهریور ۱۳۲۰ تا پایان مرداد ۱۳۳۲، ۲۶۸۲ عنوان نشریه جدید پا به عرصه وجود گذاشت. این در حالیست که جمع عناوین نشریات کشور از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷، ۴۳۷۶ عنوان بوده‌است. در نتیجه ۵۶ درصد کل مطبوعات در این ۱۴۲ سال را نشریات این سیزده سال تشکیل می‌دهد.<sup>۷</sup> از این میان ۸۰۹ عنوان سیاسی، ۷۴۴ عنوان خبری، ۵۵۷ عنوان اجتماعی، ۷۸ عنوان ادبی و تاریخی، ۷۲ عنوان دینی و ۳۷ عنوان فرهنگی و آموزشی بوده‌است.<sup>۸</sup> البته این میزان از آزادی و تنوع در حیطه مطبوعات خالی از تنش نبود. از همان آغاز تحت تأثیر حوادث ۱۷ آذر ۱۳۲۱، به کوشش قوام، اصلاحیه قانون مطبوعات در ۳ دی‌ماه و متممی بر این اصلاحیه در ۲۴ دیماه همین سال تصویب شد که محدودیت‌هایی را از جمله در گرفتن مجوز نشریه، و تغییراتی در مدت توقیف و نحوه رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در دادگاه شامل می‌شد.<sup>۹</sup> تبعات حادثه ترور شاه، مطبوعات را نیز شامل شد و قانون اصلاح قانون مطبوعات مورخه ۱۳۲۷/۱۲/۱۲ محدودیت‌های بیشتری را در روند آزادی مطبوعات ایجاد کرد. در ۲۷ دیماه ۱۳۲۹ با تصویب مجلسین شورای ملی و سنا همه قوانین مطبوعاتی به استثنای قانون نخست مطبوعات ملغا شد. تا اینکه در اواخر این دوره و در زمان نخست وزیری محمد مصدق، لایح‌های دو ماده‌ای در بهمن ۱۳۳۱ و پس از آن و مهم‌تر لایحه قانون مطبوعات با پنج فصل، ۴۶ ماده، یازده تبصره و یک متمم با ۸ ماده به تصویب رسید.<sup>۱۰</sup> با وجود همه این کوشش‌ها باز قانون مطبوعات به گونه‌ای بود که امکان آزادی آن تا اندازه زیادی حفظ شد. نحوه رفتار اهالی مطبوعات با این محدودیت‌ها نیز کمک‌کننده بود. برای مثال وقتی روزنامه‌ای توقیف می‌شد فردای همان روز با نامی دیگر و صاحب امتیازی دیگر

۷. مسعود برزین. «تجربه و تحلیل آماری مطبوعات ایران: ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی». آینده، سال دهم، شماره ۴ و ۵ (تیر و مرداد، ۱۳۶۳). ص ۹.

۸. مسعود برزین. «تجربه و تحلیل آماری مطبوعات ایران: ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی». آینده، سال دهم، شماره ۸ و ۹ (آبان و آذر ۱۳۶۳)، ص ۵۶۴ - ۵۵۸. بنا بر اظهارات برزین، این تقسیم‌بندی به دلیل تنوع مطالب هر یک از مجلات تقریبی است.

۹. برای دیدن متن این اصلاحیه و متمم آن، نک: غلامرضا سلامی، محسن روستایی، اسناد مطبوعات ایران: ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰، جلد اول: کلیات و قوانین (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴)، ص ۱۶۸ تا ۱۷۴.

۱۰. برای دیدن متن اسناد، نک: همان، ص ۱۷۷ تا ۱۹۳.

منتشر می‌شد. با وجود کوشش دولتمردان در کنترل مطبوعات و شکایات فراوان آنان از شاه گرفته تا کابینه‌ها و نمایندگان مجلس و حتی دولت‌های خارجی و همچنین مشکلاتی از قبیل کمبود کاغذ، مطبوعات نیز همپای کشمکش‌های سیاسی و به عنوان رکنی از آن به فعالیت گسترده خود ادامه دادند. وضعیت به گونه‌ای بود که هیچ نشریه‌ای در این دوره توقیف دائم نشد. در این میان بخش مهمی از درگیری‌های کارگزاران گفتمان‌های سیاسی عمده در جبهه مطبوعات پی گرفته می‌شد. برخی مطبوعات رسماً ارگان احزاب و سازمان‌ها بودند و برخی دیگر به عنوان حامیان گروه‌ها و گفتمان‌های مختلف فعالیت خود را ادامه می‌دادند. نقش مطبوعات به حدی بود که گاه در تغییر کابینه‌ها نیز مؤثر واقع می‌شد. به همین دلیل اغلب نیروها از جمله شاه و کشورهای خارجی با دادن امتیازات مختلف و حتی پرداخت رشوه سعی بر اعمال نفوذ در برخی از مطبوعات داشتند.

### رمان پاورقی، تعریف و تاریخچه

واژه پاورقی اصطلاحی در کتابت قدیم بوده‌است و چون در آن زمان نظام شماره گذاری صفحات وجود نداشت در پایین هر صفحه، اولین واژه صفحه بعد را می‌آوردند. به این واژه، پاورقی می‌گفتند.<sup>۱۱</sup> لغت‌نامه دهخدا پاورقی را «قصه و جز آن که در ذیل صفحات روزنامه نویسد»، تعریف کرده و فرهنگ فارسی معین نیز همین تعریف را تکرار کرده است.<sup>۱۲</sup> تعریف مورد نظر ما از رمان پاورقی بر پایه این تعریف لغت‌نامه‌ای از پاورقی که انواع آن را شامل می‌شود و با تفاوت‌هایی چنین است: روایتی طولانی - در حد رمان - که به صورت دنباله‌دار و دست‌کم به مدت یک سال در نشریات منتشر شده باشد. اغلب این رمان‌ها نه در روزنامه‌ها که در مجلات، و همچنین در ستون‌های مستقلی از صفحات و یا در یک یا چند صفحه از صفحات نشریات - و نه در ذیل صفحات - چاپ می‌شد. ظاهراً این اصطلاح را فرنگ‌رفته‌های اواخر دوره ناصری و اوایل دوره مظفرالدین شاه در ایران به کار بردند.<sup>۱۳</sup> چنانکه از تعاریف برمی‌آید این اصطلاح را برابر واژه فرانسوی Feuilleton به کار برده‌اند. شواهد نیز این نظر را تأیید می‌کند. مثلاً در شماره ۷۶ فرهنگ، نخستین نشریه اصفهان،

۱۱. ظاهراً آندراج قدیمی‌ترین فرهنگی است که پاورقی را تعریف کرده و به این معنی آورده است. نک: صدرالدین الهی، «درآمدی

بر مقوله پاورقی نویسی در ایران»، *ایران‌شناسی*، شماره ۲ (تابستان ۱۳۷۷)، ص ۳۲۹

۱۲. علی‌اکبر دهخدا، *لغت‌نامه* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)، ذیل «پاورقی»؛ محمد معین، *فرهنگ فارسی* (تهران: امیرکبیر،

۱۳۶۴)، «ذیل پاورقی».

۱۳. بهزادی، علی، «ظهور، اوج و سقوط پاورقی نویسی در مطبوعات ایران»، *گردون*، شماره ۲۶، ۲۵ (خرداد و تیر ۱۳۷۲)، ص

به تاریخ ۶ محرم ۱۲۹۸ قمری برابر فرانسوی این اصطلاح دقیقاً به کار رفته: «چون اخبار زیاد و از موقع تاریخ این جریده به تأخیر افتاده است لهذا در چند نمره مطالب فویطون نوشته نخواهد شد و تنها به مطالب روزنامه اکتفا می‌شود.»<sup>۱۴</sup>

رمان پاورقی در فرانسه پدید آمد و بیشترین رونق را نیز در این کشور تجربه کرد و از این نظر در اروپا و دیگر کشورهای جهان تأثیر ادبیات فرانسه را در این نوع رمان، بیشتر می‌توان بررسی کرد. در منابع اروپایی و به ویژه فرانسوی برای این نوع ادبی شرایطی در نظر گرفته‌اند که عبارت است از

۱. داستان واحدی را از آغاز تا به انجام دنبال کند؛
۲. هر بخش از داستان دارای نقطه پایانی باشد که خواننده را به خواندن دنباله داستان تشویق کند؛
۳. زبان نگارش داستان به گونه‌ای باشد که اکثریت مردمی که قادر به خواندن هستند بدون دشواری آن را بخوانند و درک کنند؛
۴. قهرمانان و شخصیت‌های پاورقی به طوری تصویر شوند که نمایانگر شخصیت‌های قابل لمس و شناخت در زندگی روزمره باشند و در عین حال به نوعی ابرقهرمان - در هر دو معنای خوب و بد - که یک خواننده را جلب و جذب می‌کند، شبیه باشند.<sup>۱۵</sup>

هدف از بیان این ویژگی‌ها در اینجا، نشان دادن بخشی از سنت داستانی ایرانی است که همه این ویژگی‌ها را در خود دارد: هزار و یک شب و به اصطلاحی باختینی "رمان ماجرابی" و سمک عیار بهترین نمونه‌اند. *امیر ارسلان نامدار* به تحریر *فخرالدوله* نیز از نمونه‌های متأخر است؛ داستان‌هایی با پایه‌هایی شفاهی، قابل تقسیم به بخش‌های مختلف که پایان هر بخش برخوردار از تعلیق است و برخوردار از زبانی عامیانه و همه‌فهم. پس عجیب نخواهد بود اگر نخستین پاورقی فارسی، ترجمه هزار یک شب باشد که در پاورقی *روزنامه جام جهان نما* چاپ کلکته، در شماره‌های سال ۱۸۵۰م به بعد منتشر می‌شده است.<sup>۱۶</sup>

نخستین ترجمه‌های رمان به فارسی مطابق ذوق دربار و شخص ناصرالدین شاه صورت می‌گرفت. این رمان‌ها به دلایل مختلف از جمله شرایط آن روز جامعه ایران، ذوق دربار و گاه رواج آن در کشور مبدأ انتخاب می‌شدند و اغلب در اصل پاورقی بوده‌اند. *تلماک اثر فنلن*، *کنت دومونت کریستو* (تبریز ۱۳۰۹ ق)، *سه تفنگدار* در سه جلد (۱۳۱۶ ق)، *لوئی چهاردهم* (تبریز ۱۳۲۲ ق) از *الکساندر دوما* و *لمیستر دوپاری* (اسرار پاریس) از *اوژن سو*

۱۴ به نقل از: سیدفرید قاسمی، «سراغاز پاورقی نویسی در ایران»، *جهان کتاب*، شماره ۱۱۳ و ۱۱۴ (آذر ۱۳۷۹)، ص ۱۸.

۱۵ صدرالدین الهی، «درآمدی بر مقوله پاورقی نویسی در ایران (۱)»، *ایران شناسی*، شماره ۲ (تابستان، ۱۳۷۷)، ص ۳۳۱.

۱۶ یادداشت‌های شخصی پروین، به نقل از صدرالدین الهی، «درآمدی بر مقوله پاورقی نویسی در ایران»، *بخش سوم (الف)*.

(تهران ۱۳۲۵ق) ترجمه محمد میرزا طاهر اسکندری و همچنین پل و ویرژینی نوشته دو سن پیر با ترجمه ابراهیم نشاط از آثاری هستند که در این دوره ترجمه و منتشر شدند<sup>۱۷</sup> و همه در اصل رمان‌های پاورقی بوده‌اند. سابقه چاپ رمان به شکل پاورقی در ایران به قبل از مشروطه برمی‌گردد و برای نمونه، در این دوره ترجمه رمان‌های پاورقی‌هایی اغلب از زبان فرانسه در روزنامه تربیت چاپ شد.<sup>۱۸</sup>

نقش ترجمه در تکوین رمان فارسی در حدی است که بنیان نظری کتاب *پیدایش رمان فارسی*، جامع‌ترین اثر درباره تکوین رمان فارسی، بر پایه نقش ترجمه رمان‌های فرانسوی و به ویژه آثار الکساندر دوما استوار شده است. نویسنده این کتاب چهار دوره را در ترجمه آثار رمانی از هم متمایز کرده است و بر اساس بایگانی‌های موجود آماری از آثار رمانی ترجمه شده در این دوره‌ها ارائه کرده است. دوره اول از آغاز تأسیس چاپخانه در حدود سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۲۸۰ شمسی؛ حدود بیست متن چاپ شده و حدود نود متن دستنویس؛ دوره دوم؛ که شامل دو بخش است، بین سال‌های ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۸ حدود سی رمان و بین سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۰ نیز همین تعداد؛ سومین دوره: سال‌های ۱۳۰۰ تا جنگ جهانی دوم اندکی کمتر از یکصد رمان؛ دوره چهارم از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ را شامل می‌شود که دوره رونق مطبوعات و چاپخانه‌ها است و ترجمه رمان از زبان‌های مختلف رو به فزونی می‌گیرد.<sup>۱۹</sup> به طور خلاصه می‌توان گفت در دوران پیش از مشروطه پاورقی‌ها اگرچه طبق الگوی غربی در نشریات چاپ می‌شد، اما روند چاپ داستان در این نشریات تدریجی بوده است. محتوای این پاورقی‌ها در آغاز علمی، اجتماعی، تربیتی و آموزشی، نمایشنامه و تاریخی بوده است و به تدریج پس از مرگ ناصرالدین شاه و در دوره مظفرالدین شاه نمونه‌های اندکی از انتشار پاورقی‌های رمانی اروپایی یافت می‌شود. احوال ناشی از انقلاب مشروطه و اولویت‌های فعالان فرهنگی و سیاسی این دوره جایی برای رمان پاورقی باقی نگذاشت. اولین رمان‌های پاورقی ایرانی در حدود سال‌های ۱۲۹۹ و پس از آن منتشر شد. *تهران مخوف*، نوشته مرتضی مشفق کاظمی که سال ۱۳۰۱ خورشیدی در روزنامه ستاره منتشر شد، ظاهراً نخستین رمان پاورقی فارسی است که در ایران منتشر شد. در دوره شانزده ساله حکومت رضاشاه، مطبوعات با سرکوب شدید حکومت مواجه شد و در نتیجه این

۱۷. یحیی آرین‌پور، *از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)*، جلد دوم (تهران: زوار، ۱۳۷۲)، ص ۲۳۷.

۱۸. یادداشت‌های شخصی پروین، به نقل از الهی، همان، ص ۷۲۰.

۱۹. برای آگاهی بیشتر، نک: کریستف بالایی، *پیدایش رمان فارسی*، مترجمان مهوش قوبی و نسرين دخت خطاط (تهران:

انتشارات معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۷۷)، ص ۶۸ - ۵۷.



دوره را باید دوره رکود پاورقی نویسی در ایران دانست. با حمله متفقین به ایران در خلال جنگ جهانی دوم و عزل رضاشاه، اوضاع ایران به کلی دگرگون شد و جامعه ایران تحولات متفاوتی را در این دوره تجربه کرد؛ این تغییرات بر وضعیت مطبوعات تأثیر گذارد.

مطبوعات این دوره، به خلاف اغلب دوره‌های دیگر، از آزادی نسبی برخوردار بودند و به دلیل کم شدن فشار سانسور حکومت بیشتر بازتاب‌دهنده افکار عمومی بودند. بسیاری از مجلات این دوره به دلیل مطرح کردن آزادانه مسائل سیاسی، و از طریق نوشتن سرمقاله‌های آتشین مخاطبان را به خود جلب می‌کردند. احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی نیز مخاطبان خود را از میان وابستگان و طرفداران ایدئولوژیکی می‌یافتند. در واقع در این زمان، سیاست تا اندازه‌ای عمومی شده بود و تعداد مخاطبان نشریات سیاسی نیز فزونی گرفته بود. اگر نبود آزادی بیان در دوره اختناق پس از سال ۱۳۳۲ را بتوان از دلایل مهم رونق پاورقی نویسی در مطبوعات ایران دانست، این دلیل به این دوره قابل تعمیم نخواهد بود. زیرا با وجود گسترده شدن مرزهای آزادی بیان و کم شدن تسلط حکومت، پاورقی نویسی از رونق نیفتاد. اهمیت رمان‌های پاورقی از آنجاست که مهم‌ترین دلیل چاپ آنها در نشریات جلب مخاطب و فروش بیشتر است. در واقع انگیزه‌های مالی مهم‌ترین دلیل چاپ این نوع ادبی است. ارتباط دوسویه نویسنده و مخاطب در فرایند نوشتن و انتشار این گونه رمان‌ها نیز امکان بیشتری برای تحلیل افکار عمومی و سلیقه زمانه به دست می‌دهد. چاپ این گونه رمان‌ها و حتی ادامه انتشار آن منوط به استقبال خوانندگان بوده‌است. افزون بر نقش مخاطب در فرایند تولید این آثار، سیاست‌های صاحبان نشریات و وابستگی‌های آنان به منابع قدرت نیز بر محتوای این نوع ادبی تأثیر می‌گذارد و در تحلیل مقاله حاضر این نکته نیز از نظر دور نبوده‌است.

## رویکرد تحلیل گفتمانی لاکلائو و موفه

### مروری اجمالی

آثار تحلیل گفتمانی لاکلائو و موفه تأثیر بسیار زیادی بر گسترش مطالعات تحلیل گفتمانی داشته است، به گونه‌ای که افزون بر آثاری که از خود آنها منتشر شده است، اندیشه‌هایی که در آثارشان طرح کرده‌اند، موجب نوشتن کتاب‌ها، مقاله‌ها و شرح‌های بسیاری شده است که همگی به سهم خود در گسترش مرزهای دانش تحلیل گفتمان نقش داشته‌اند. نکته دیگر این است که نگاه تحلیل گفتمانی لاکلائو و موفه به دلیل آنکه مبتنی بر فهمی عمیق از واقعیت‌ها، ساختارها و

روابط اجتماعی است، دیدگاه آنها را تبدیل به دیدگاهی کاربرپسند کرده است و همین باعث شده است که این دیدگاه در تحلیل‌های رشته‌های مختلف کاربرد بیابد؛ به عکس برخی از چارچوب‌ها و دیدگاه‌های تحلیل گفتمانی که سرشت عمدتاً یا صرفاً زبان‌شناسانه آنها برای رشته‌های دیگر مبهم و یا فاقد جذابیت است.

لاکلاو و موفه در اثر مشهوری به نام *هژمونی و راهبرد سوسیالیستی* به رابطه ماتریالیسم و ایده‌آلیسم توجه نشان داده‌اند که در واقع همان رابط‌های است که میان ساختار و کارگزاری وجود دارد. در این اثر اندیشه بنیادین این دو، این است که تمامی پدیده‌های اجتماعی در درون گفتمانی مشخص معنا پیدا می‌کنند. آنها همچنین بر این باورند که این گفتمان ثابت و بی‌تغییر نیست، و از جمله ممکن است از امور و عناصر بیرونی تأثیر بپذیرد، که همین باعث می‌شود که معنا به حالت اشباع<sup>۲۰</sup> کامل نرسد و همواره دال‌های شناوری<sup>۲۱</sup> در گفتمان وجود داشته باشند.<sup>۲۲</sup> این دیدگاه که می‌توان به آن ثبات نسبی گفتمان گفت، با جلوگیری از نامتناهی شدن دامنه معنای دال‌های گفتمان از بی‌معنایی افسارگسیخته آنها جلوگیری می‌کند. لاکلاو و موفه به آن نقاطی از گفتمان که به صورت نسبی ثبات یافته‌اند، نقاط پیوند یا دال‌های مرکزی<sup>۲۳</sup> می‌گویند<sup>۲۴</sup> که بر اساس پیوندهایی که عناصر گفتمانی با هم دارند، مفصل‌بندی می‌شوند. هرگاه مفاهیم مرتبط با نقاط پیوند در جامعه فراگیر و مسلط شوند، آنگاه هژمونی آنها در جامعه به وجود می‌آید که موجب تثبیت معنای نقاط پیوند و به وجود آمدن نظم اجتماعی می‌شوند. موضوع مهم دیگری که لاکلاو و موفه در کتاب *هژمونی و راهبرد سوسیالیستی درباره آن بحث کرده‌اند*، عملکرد همزمان دو منطق تفاوت<sup>۲۵</sup> و منطق همسانی<sup>۲۶</sup> است. منطق تفاوت موجب ایجاد تفاوت و ناهمسانی می‌شود؛ و در عوض منطق همسانی موجب از بین رفتن تفاوت‌ها و ناهمسانی‌های موجود می‌شود. در واقع، با توجه به این دو منطق می‌توان گفت که مردم در هر جامعه‌ای با هر کنشی که انجام می‌دهند، در حال ایجاد تفاوت و ناهمسانی از سویی و از بین بردن تفاوت‌ها و ایجاد همسانی از سوی دیگر هستند. این فرایند همیشگی تفاوت‌زایی و تفاوت‌زدایی را با توجه به اصطلاحات لاکلاو و موفه، می‌توان مفصل‌بندی

20. saturation

21. float

22. Ernesto Laclau & Chantal Mouffe, *Hegemony and Socialist Strategy, towards a radical democratic politics* (London & New York: Verso, 1985), p. 112.

23. Nodal points

24. Ibid

25. Logic of difference

26. Logic of equivalence



و مفصل‌زدایی<sup>۲۷</sup> نامید.

آنچه لاکلاو و موفه در *هژمونی و راهبرد سوسیالیستی* گفته‌اند، در ادامه و در پیوند با آن چیزی است که آنها پیش‌تر در *آثاری چون لاکلاو (۱۹۷۷)*<sup>۲۸</sup> و موفه (۱۹۷۹) مطرح کرده‌اند. اندیشه‌های این دو در این کتاب مورد توجه بسیاری از اندیشمندان دنیا قرار گرفت، و مبنای مباحثه آنها با کسانی چون اسلاوی ژیزک<sup>۲۹</sup>، دریدا و رورتی قرار گرفت. این مباحثات جدای از آنکه موجب فراگیرتر شدن دیدگاه گفتمانی لاکلاو و موفه شد، بر دیدگاه‌های آنها نیز تأثیرگذار بود، به گونه‌ای که گفته می‌شود برخی از مفاهیم مورد استفاده آنها در تحلیل گفتمان برگرفته از اندیشه‌های اندیشمندانی چون دریدا و رورتی است.

نکته مورد توجه این است که مفهوم هژمونی مورد نظر لاکلاو و موفه مبنای شکل‌گیری نظریه گفتمان بوده است. به باور لاکلاو این نظریه گفتمان ریشه در سه دیدگاه فلسفی قرن بیستم، یعنی فلسفه تحلیلی<sup>۳۰</sup>، پدیدارشناسی<sup>۳۱</sup> و ساختارگرایی<sup>۳۲</sup> دارد که به ترتیب مبتنی بر سه مفهوم مصداق<sup>۳۳</sup>، پدیده<sup>۳۴</sup> و نشانه<sup>۳۵</sup> هستند. البته نظریه گفتمان سپس در آثار ویتگنشتاین متأخر<sup>۳۶</sup>، تحلیل اگزیستانسیالیستی هایدگر<sup>۳۷</sup> و نگاه انتقادی پساساختارگرایانه به نشانه<sup>۳۸</sup> از شکل صرفاً اشتقاقی خارج می‌شود و حالت مستقل به خود می‌گیرد. در توصیف دیدگاه لاکلاو و موفه گفته شده است که آنها «آمیزه‌ای پیچیده از مارکسیسم ساختارگرا و هرمنوتیک سیاسی گرامشی به دست داده‌اند که در آن اندیشه‌هایی برگرفته از فلسفه پساساختارگرا و نظریه معاصر، با هدف ساخت یک نظریه اجتماعی پست‌مدرن رادیکال<sup>۳۹</sup> وجود دارد.»<sup>۴۰</sup>

27. disarticulation

28. Ernesto Laclau. *Politics and Ideology in Marxist Theory: Capitalism, Fascism, Populism* (London: New Left Books, 1977).

۲۹. برای مطالعه تطبیقی برخی دیدگاه‌های لاکلاو و ژیزک، نک:

Barret Weber, "laclau and Žižek On Democracy and Populist Reason," *International Journal of Zizek Studies*, Vol. 5, No 1, 2011)

30. Analytical philosophy

31. phenomenology

32. structuralism

33. referent

34. phenomenon

35. sign

36. Later Wittgenstein

37. Existential analytic of Heidegger

38. Post- structuralist critique of the sign

39. A radical postmodern social theory

40. Geoff Boucher, *the Cahrmond Circle of Ideology: A Critique of Laclau&Mouffe, Butler and Žižek*, re-ress (Melbourne, 2008), p. 77. Available at: <http://www.re-press.org>

اگر بخواهیم اشاره‌ای هم به کاربست نظریه گفتمان بکنیم، باید بگوییم که این نظریه، تحلیل دقیقی دربارهٔ مواد تجربی به دست نمی‌دهد، و بیشتر به پدیده‌های انتزاعی و مجرد می‌پردازد. اما مفاهیمی را که در این نظریه طرح شده‌اند، می‌توان به مثابهٔ ابزارهایی برای تحلیل‌های تجربی به کار برد. یورگنسن و فیلیپس این مفاهیم کاربردی را که پیش‌تر هم بدان‌ها پرداختیم این گونه برشمرده‌اند:

- دال مرکزی، دال برجسته و اسطوره‌ها که همراه هم می‌توانند به دال‌های کلیدی در سازمان گفتمان پیوند یابند؛
- مفهوم زنجیره‌های هم‌ارزی که همان دال‌های کلیدی معنادار است؛
- مفاهیم مربوط به هویت، شکل‌بندی گروه، هویت و نمایندگی؛
- مفاهیم مورد کاربرد در تحلیل کشمکش: دال‌های شناور، ستیزه و هژمونی.

در واقع، دال‌های کلیدی متفاوت شامل دال‌های مرکزی، دال‌های برجسته و اسطوره‌ها می‌شوند. به طور کلی، دال‌های مرکزی گفتمان را سازمان‌دهی می‌کنند (برای مثال لیبرال دموکراسی)، و دال‌های برجسته هویت را سازمان‌دهی می‌کنند (برای مثال «مرد»). همهٔ این مفاهیم دال‌های کلیدی در سازمان اجتماعی هستند. وقتی در موارد تجربی خاص دال‌های کلیدی معنا می‌یابند، می‌توان بررسی کرد که چگونه گفتمان‌ها، هویت و فضای اجتماعی به ترتیب و به طریقی گفتمانی سازمان می‌یابند. این امر با بررسی چگونگی ترکیب دال‌های کلیدی با نشانه‌های دیگر میسر می‌شود. نقطهٔ اشتراک دال‌های کلیدی این است که همهٔ آنها نشانه‌هایی خالی از معنا هستند. آنها تا زمانی که از طریق زنجیره‌های هم‌ارزی با دیگر نشانه‌ها ترکیب نشده‌اند، تقریباً خالی از معنا هستند. مثلاً «لیبرال دموکراسی» از طریق ترکیب شدن با دیگر حاملان معنا از قبیل «انتخابات آزاد» و «آزادی بیان» است که معنادار می‌شود. با بررسی زنجیره‌های معنا که گفتمان‌ها بدین گونه گرد هم می‌آورند، می‌توان به تدریج گفتمان‌ها، هویت‌ها و فضاهای اجتماعی را بررسی کرد.<sup>۴۱</sup>

در ادامه کاربست اصلی‌ترین مفاهیم این رویکرد، گفتمان‌های اصلی رایج در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۳۲ تبیین می‌شود و رمان پاورقی مورد نظر از منظر ارتباط آن با این گفتمان‌های اصلی در ارتباطی دو سویه، کندوکاو و تحلیل خواهد شد. در نتیجه، جست‌وجوی مفهومی، در این رمان به یافتن گفتمان‌های اصلی موجود و پیوند آن با گفتمان‌های سیاسی اجتماعی اصلی موجود در این دوره

41. Ibid, p. 50

مورد نظر منحصر می‌شود. همچنین خوانش از مفصل‌بندی گفتمانی این رویکرد نظری به تحلیل ساختار این اثر از این منظر نیز می‌انجامد. به نظر می‌رسد استفاده از مفهوم مفصل‌بندی به عنوان ابزاری برای تحلیل دقیق‌تر ساختار و به ویژه پیرنگ این رمان‌ها از دیدگاهی متفاوت کارآمد باشد. افزون بر این، مفهوم فاعل شناسا، و تخصص بین گفتمان‌ها و کشمکش‌های هویت‌های مختلف فاعل شناسا نیز افزون بر تأثیری که بر ساختار کلی این رمان برجای گذاشته، در تحلیل شخصیت‌ها کارآمد است.

با این توضیحات آشکار است که رویکرد تحلیلی ما صرفاً به متن محدود نمی‌شود، و بر ارتباط دوسویه آن و بافت اجتماعی تاریخی تأکید می‌کند. به عبارتی روشن‌تر، معنا را در بافت گفتمانی خود متن و ارتباط آن با بافت گفتمانی بیرون از متن، یعنی دوره تاریخی تولید و آفرینش اثر مورد نظر، کندوکاو می‌کند. در این مرحله، استفاده ما از نظریه تحلیل گفتمان در بیشتر مواقع بر کاربست مفاهیم کلیدی این رویکرد از قبیل مفصل‌بندی و جزئیات سازنده آن، مفهوم فاعل شناسا و شیوه‌های هویت‌یابی آن، دال‌های شناور، تخصص، برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی و هژمونی استوار خواهد شد. در خور توجه است که به کارگیری این مفاهیم به معنای پذیرش حداکثری پیش‌فرض‌های رویکرد تحلیل گفتمانی مورد استفاده نیست. لازم به تکرار است که در این رویکرد، مفهوم مفصل‌بندی سرانجام معنا را امری موقت، احتمالی و تصادفی می‌داند، اما هم‌زمان ابزاری مناسب برای تحلیل ساختاری نیز در اختیار تحلیل‌گر گفتمان قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد استفاده از مفاهیم یادشده، در تحلیل متن ادبی و بافت سیاسی اجتماعی دوره تاریخی مورد نظر و ارتباط دادن این دو برای نشان دادن ساز کارهای معناسازی، به ساختارگرایی و همچنین نوعی اثبات‌گرایی نزدیک می‌شود. البته همین پسینی دیدن معنا و ارتباط آن با چیزی خارج از خودش، و در نتیجه مشروط بودن و موقت بودن آن، باز ما را به پسا ساختارگرایی نزدیک می‌کند. عمده استفاده از این رویکرد به کاربست مفاهیم مورد اشاره بسنده می‌کند، و به هیچ روی ادعای تبعیت کامل از همه پیش‌فرض‌های آن را ندارد. به همین سبب، می‌توان گفت نحوه به کارگیری این رویکرد ممکن است با توجه به هدف این تحقیق با هدف لاکلائو و موفه کاملاً یکسان نباشد.

## وضع سیاسی ایران در سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰

در بحبوحه جنگ جهانی دوم، اعلام بی‌طرفی ایران سودی نبخشید و روسیه و انگلستان در سوم

شهریور ۱۳۳۰ ایران را اشغال کردند. ایران از چند جهت برای آنان مهم بود: تسلط بر منابع نفتی، استفاده از خاک آن برای انتقال مهمات و ملزومات جنگ به شوروی و همچنین جلوگیری از نفوذ آلمان در ایران که این دلیل آخر بهترین بهانه آنان برای تجاوز به خاک ایران شد. رضاشاه در ۲۵ شهریور ۱۳۳۰ به نفع ولیعهد جوان از سلطنت کناره‌گیری کرد و بدین ترتیب فرزندش میراث‌دار پادشاهی بر سرزمینی اشغال‌شده شد.

حضور نیروهای انگلیس و شوروی در ایران از یک طرف و همچنین ورود ایالات متحده در صحنه جهانی - که اینک با پیوستن به متفقین آشکارا نقش پررنگ خود را به عنوان قدرتی تأثیرگذار به رخ می‌کشید - عواملی هستند که در تحلیل مسائل ایران در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. در کنار مسأله جنگ جهانی دوم و پس از آن اختلاف میان متفقین و دوقطبی شدن جهان - که همسایگی ایران با یک سر این قطب بر اهمیت آن می‌افزود - مسأله نفت، هم‌جواری ایران با هندوستان و همچنین آب‌های خلیج فارس، ایران پس از جنگ را در موقعیتی جذاب برای هر دو قطب رقیب قرار داد، رقابتی که اینک در قالب تنش‌های جنگ سرد خود را نشان می‌داد. سیاست اغلب دولت‌های این برهه زمانی و شاه، که دست‌کم در آغاز چندان توانا نبود، نیز بر دامنه نفوذ این سه کشور در ایران می‌افزود. گستره نفوذ این سه کشور به حدی است که بی‌آنکه بخواهیم اوضاع و زمینه‌های داخلی را نادیده بگیریم، مهم‌ترین کوشش‌های قدرت میان نیروهای سیاسی داخلی، و بحران‌های این سیزده سال را می‌توان در پیوند با دخالت‌های آنان در امور ایران تحلیل کرد.

اشغال ایران در ۱۳۳۰ و استعفای اجباری رضاشاه و انتقال پادشاهی به فرزندش، کشمکش‌های شرکت نفت ایران و انگلیس با کارگران و پس از آن با دولت، درخواست مصرانه شوروی برای کسب امتیاز نفت شمال و همچنین حمایت این کشور از فرقه‌های دموکرات کردستان و آذربایجان - که به نظر می‌رسد این دومی از مهم‌ترین چالش‌های سده اخیر علیه تمامیت ارضی ایران بود - فعالیت گسترده حزب توده و سازمان‌های وابسته به آن - که مهم‌ترین نیروی سازمان‌یافته و فراگیر کشور در این زمان بود - مهم‌ترین رویدادهای این دهه‌اند که در پیوند مستقیم با دخالت‌ها و اعمال نفوذ سه کشور خارجی یادشده قابل تحلیل است.

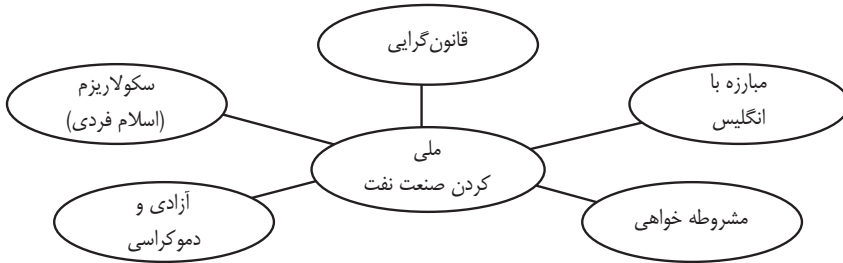
سویه دیگر کشمکش در ایران، میان اشراف رده‌بالا در قالب دولت و مجلس و حتی در آغاز دربار، با شاه بود که در آغاز وانمود می‌کرد خواهان سلطنت است و نه حکومت، و کوشش طرف مقابل به‌ویژه در قالب جبهه ملی به رهبری محمد مصدق نیز این بود که شاه و اختیارات او را

در قالب قانون مشروطه تعریف و محدود کند. البته در این کشمکش، اشراف تنها نبودند، اغلب طبقه متوسط مرفه و روشنفکران نیز حامی آزادی‌های مشروطه بودند. در این میان حزب توده نیز بر اساس راهبردهای خود در جبهه حامیان حکومت مشروطه قرار می‌گرفت. در این دهه، به سبب رویکرد شاه به مذهب و اشتراک منافع، مذهب‌یون نیز در کمکش‌های قدرت دست داشتند. طیف‌های گوناگونی از مذهب‌یون در این دوره فعال بودند؛ از روحانی محافظه‌کاری چون آیت‌الله بروجردی و سیاست‌مداری عمل‌گرا چون آیت‌الله کاشانی گرفته تا گروه‌های مختلف بنیادگرا در قالب فدائیان اسلام و مسلمانان لیبرال به عنوان بخشی از جبهه ملی نیز در امور سیاسی این دوره دخیل بودند. طرفداران نظام پادشاهی، به نمایندگی پهلوی دوم و حمایت کشورهای غربی، سوپه دیگر این کشمکش بود.

در خلأ قدرتی که در این دوره سیزده‌ساله بر فضای سیاسی کشور حاکم بود، گفتمان‌های مارکسیسم، ناسیونالیسم و اسلام در قالب نیروهای سیاسی و اجتماعی گوناگون با اهدافی گاه مشترک، و گاه متفاوت و متضاد با هم در رقابت بودند؛ یا در مواردی بنا به اوضاع و مقتضیات با یکدیگر متحد می‌شدند. گفتمان ناسیونالیسم لیبرال با بهره‌مندی از مسأله نفت و تقابل با شرکت نفت انگلیس و ایران در قالب جبهه ملی به رهبری محمد مصدق در فضای سیاسی این دوره تشکیل شد و توانست طیف گسترده‌ای از ناسیونالیست‌های متجدد و دموکرات و سکولار را از یک سو، و سنت‌گرایانی را که اغلب با بازار در پیوند بودند و مهم‌تر از همه آیت‌الله کاشانی را به همراه فدائیان اسلام، از سوی دیگر در گفتمان خود جای دهد.

گفتمانی را که مصدق در طول دوران سیاست‌ورزی خود بر آن تأکید می‌کرد، می‌توان گفتمان ناسیونالیسم لیبرال نامید. این گفتمان با تعیین ناسیونالیسم به عنوان دال مرکزی خود و بُعدهایی چون قانون‌گرایی، تأکید بر اجرای قوانین مشروطه، آزادی و دموکراسی، تأکید بر اسلام فردگرایانه، مبارزه با انگلیس و ملی کردن صنعت نفت مفصل‌بندی خود را صورت‌بندی کرد. این گفتمان به تدریج و در پی تشکیل جبهه ملی در مهرماه ۱۳۲۸ در گفتمانی ناسیونالیستی و دال مرکزی مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت دست به مفصل‌بندی تازه‌ای زد و توانست طیف‌های گوناگونی از نیروهای سیاسی و اجتماعی را با خود همراه کند. در واقع این گفتمان توانست با جذب بُعدهای گفتمان مذهبی حمایت‌گروه‌های بیشتری از مردم را به خود جلب کند.

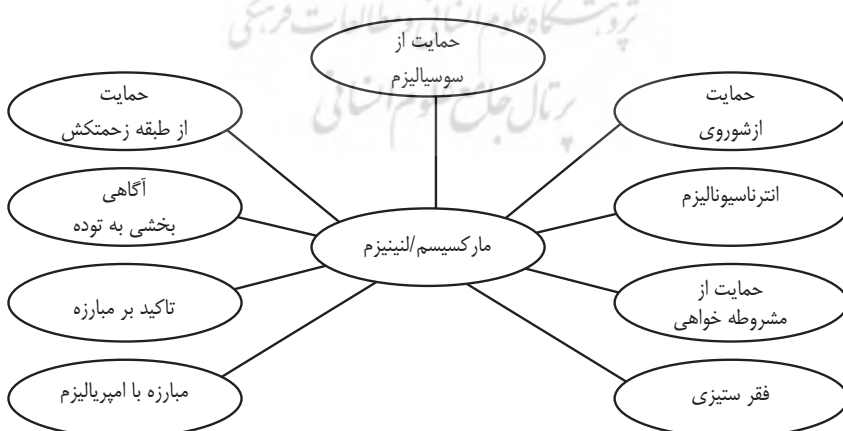
### مفصل‌بندی گفتمان ناسیونالیزم



از میان گفتمان‌های یادشده، گفتمان مارکسیستی در قالب حزب توده دارای اساسنامه بوده‌است<sup>۴۲</sup> که این امر اطلاعات شفاف‌تری برای مفصل‌بندی گفتمانی آن در اختیار ما می‌گذارد. البته این مفصل‌بندی همچنین بر پایه برنامه‌ها و مجموع‌های از اطلاعات درباره عمل سیاسی این حزب در موقعیت‌های مختلف است که پیش از این مورد توجه قرار گرفت.

حزب توده نیز به عنوان حزبی مارکسیست - لنینیست، گاه و بی‌گاه، از این گفتمان - که آن را نماینده سرمایه‌داری مبتنی بر تجارت (کمپرادور) و تحت حمایت آمریکا می‌دانست - حمایت می‌کرد. این حزب نیز با بهره‌گیری از وضعیت اقتصادی نابسامان اغلب مردم ایران و حمایت شوروی، با کمک سازمانی منظم بر پایه آموزه‌های مارکسیستی و تضاد با امپریالیسم، گفتمان خود را در میان طبقه روشنفکر و کارگران صنعتی و طبقات پایین صنف‌های گوناگون گسترش داد.

### مفصل‌بندی گفتمان سوسیالیستی

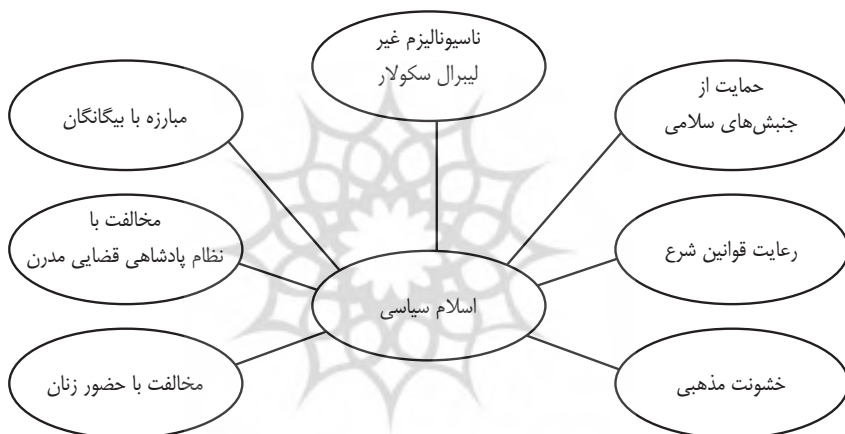


۴۲. برای آگاهی بیشتر، نک: اساسنامه حزب توده (تهران: حزب توده ایران، مهر ۱۳۶۱).

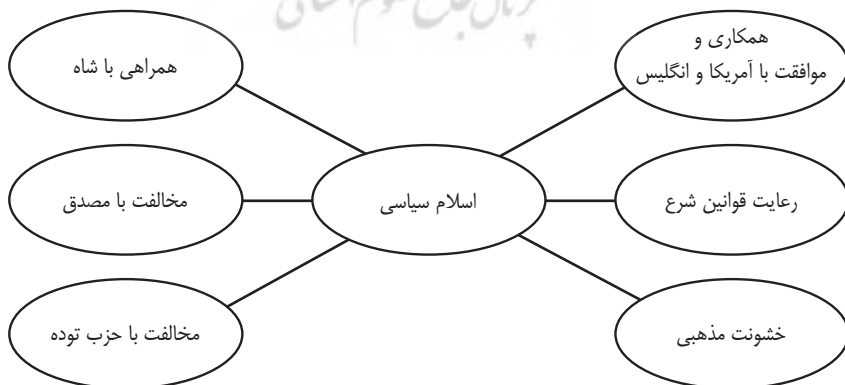


گفتمان اسلامی را نیز آیت‌الله کاشانی، به عنوان طرفدار دخالت مستقیم دین و دین‌داران در سیاست، نمایندگی می‌کرد؛ او نیز با بهره‌مندی از موضوع شرکت نفت انگلیس و ایران و به طور مشخص، مخالفت علنی با دولت انگلیس و در اتحاد با جبهه ملی، گفتمان اسلامی را در میان بازاریان گسترانید. او در این راه از ظرفیت‌های مذهبی جامعه و هم‌چنین گرایش‌های تندروانه در این زمینه بسیار سود جست. این گفتمان از اوایل سال ۱۳۳۱ با جدایی از گفتمان ناسیونالیستی جبهه ملی و پشتیبانی از گفتمان سلطنت طلب در مفصل‌بندی تازه‌های صورت‌بندی شد.

### مفصل‌بندی گفتمان مذهبی مقطع اول



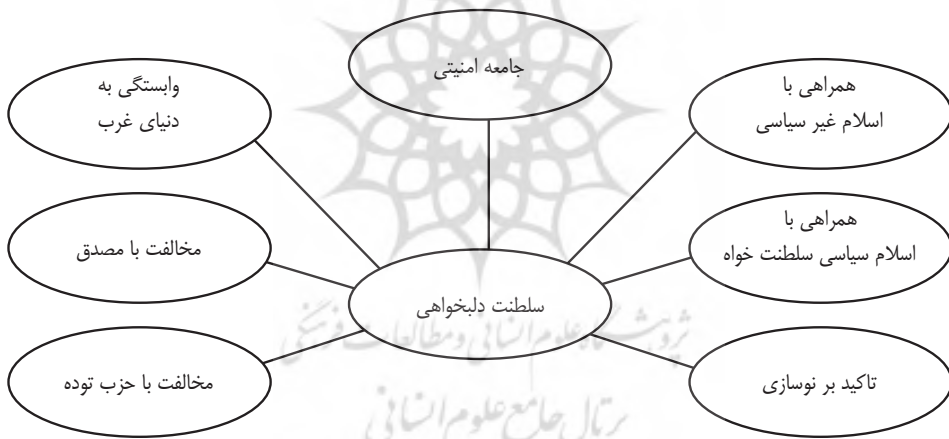
### مفصل‌بندی گفتمان مذهبی مقطع دوم



نیروی عمده دیگری نیز در طول این دوره می‌کوشید با صورت‌بندی تدریجی، خود را به عنوان یگانه راه‌حل مشکلات کشور معرفی کند و به گفتمان مسلط تبدیل شود. مهم‌ترین کارگزار این گفتمان شاه بود که گفتمان خود را با دال مرکزی سلطنت دل‌بخواهی (Arbitrary) مفصل‌بندی کرد.

این گفتمان از حمایت دولت انگلیس و پس از آن ایالات متحده سود می‌برد و عمل سیاسی آن در جامعه، به ویژه در سال‌های آغازین دوره مورد نظر ما نسبت به دیگر گفتمان‌های رقیب آشکارگی کمتری داشت. اما در طول این دوره از همه امکانات قانونی و فراقانونی خود برای تأثیرگذاری، اعمال نفوذ و یا سلطه بر سه گفتمان یادشده بهره برد و به تدریج و در جریان کودتای مرداد ۱۳۳۲ به گفتمان مسلط تبدیل گشت.

### مفصل‌بندی گفتمان سلطنت مطلقه (دل‌بخواهی)



## تحلیل گفتمانی ده نفر قزلباش

رمان پاورقی ده نفر قزلباش نوشته حسین مسرور (سخنیار) در روزنامه اطلاعات از اسفندماه ۱۳۲۶ در ۱۰۲ قسمت ۱۰۰۰ واژه‌ای تا تیرماه ۱۳۲۷<sup>۴۳</sup> با پنجاه هزار شمارگان چاپ می‌شده و پس از آن در شصت هزار شمارگان به طور مستقل چاپ شد. ناشر چاپ بعدی این اثر، سازمان مطبوعاتی

۴۳. حسین مسرور (سخنیار)، «ده نفر قزلباش»، روزنامه اطلاعات، پیاپی روزانه از سال بیست و دوم، شماره ۶۵۶۹ (شنبه اول اسفندماه ۱۳۲۶)، تا سال بیست و سوم، شماره ۶۶۷۳ (سه‌شنبه هشتم تیرماه ۱۳۲۷).

مرجان، در مقدمه‌ای که بر چاپ سال ۱۳۳۵ این اثر نوشته به نایاب بودن چاپ قبلی این اثر اشاره می‌کند.<sup>۴۴</sup> متأسفانه از میزان شمارگان چاپ یاد شده اطلاع درستی کسب نشد. با توجه به میزان ترکیب جمعیت ایران در این سال‌ها چنین استقبالی از اثری داستانی بسیار شگفت‌انگیز است. بررسی جنبه‌های تکنیکی رمان ده نفر قزلباش، موضوع این مقاله نیست. هر چند بی‌آنکه به دام کلی‌گویی بیفتیم باید اذعان کرد غیر از زبان سالم و شسته رفته، این اثر فاقد برجستگی خاصی از نظر تکنیک‌های روایی و سایر جنبه‌های مربوط به فنون داستان نویسی مدرن است. داستانی است با راوی دانای کل و همه‌چیزدان که مانند نقالان داستان را از دیدگاهی سوگیرانه و مملو از پیش‌داوری‌های آشکار روایت می‌کند و شخصیت‌ها نیز به جای شکل‌گیری در جریان رویدادها و کنش‌ها با حالتی بی‌تغییر و مطلق‌گونه از آغاز تا پایان رمان تصویر می‌شوند. تحلیل ما بدون پرداختن به جنبه‌های تکنیکی به ارتباط این متن با فضای گفتمانی این دوره خواهد پرداخت. پیش از پرداختن به متن رمان، ابتدا به تحلیل سه پیش‌گویه<sup>۴۵</sup> که قبل از متن اصلی آمده است، می‌پردازیم. پیش‌گویه نخست تقدیمیۀ نویسنده است: «داستان ده نفر قزلباش که گوشه‌ای از کارنامه پدران نامدار و نیاکان پر افتخار ملت ایران و دریچه‌ای از گذشته این سامان است، به فرزندان آن پدران تقدیم داشته، امیدوار است که نسل معاصر آن گذشتگان را بهترین خلف و آن قهرمانان را شایسته‌ترین یادگار باشند.»<sup>۴۶</sup>

این تقدیمیۀ آشکارا فاش می‌کند که رمان قصد قهرمان‌سازی دارد و در پیوندی ضمنی میان گذشته و حال اظهار امیدواری می‌کند که نسل امروز قهرمان یا قهرمانان تاریخی رمان را در زندگی امروزه سرمشق خود قرار دهد. پیش‌گویه دوم متعلق است به ابوالقاسم صدارت، مسئول سازمان مطبوعاتی مرجان به عنوان ناشر. این پیش‌گویه این اثر را حاصل سی سال مطالعه و تعمق نویسنده در تاریخ صفویه می‌داند: «با درک مسئولیت صحیح تاریخی خدمتی بزرگ به بقای روح استقلال طلب ایرانی نموده» و اظهار امیدواری کرده ملت ایران «این نسخه آموزنده و شفاف‌بخش را

۴۴. حسین سخنیار (مسرور)، ده نفر قزلباش (بنگاه انتشاراتی مرجان: تهران، ۱۳۳۵).

۴۵. پیش‌گویه (incipit) به معنای دقیق، سطور یا بندهای آغازین رمان یا داستان کوتاه است که در آن محتوای کلی داستان، قرارداد خوانش، زمان، مکان، شخصیت‌ها، و اطلاعاتی از این قبیل در آن می‌آید. نگارنده در این پژوهش عناصر پیرامنتی چون تقدیمیۀ پیشگفتار، مقدمه، سرلوحه، یا هرگونه اطلاعاتی را که پیش از متن این پاورقی‌ها آمده نیز به عنوان پیش‌گویه در نظر گرفته است. برای اطلاعاتی مفصل درباره اصطلاح پیش‌گویه و عناصر پیرامنتی، نک: مهوش قویمی. گذری بر داستان نویسی فارسی (تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۷)، ص ۲۲-۷؛ منتقدی دیگر نیز با تحلیل صحنه‌های آغازین چندین رمان فارسی ارتباط آن را با کلیت این رمان‌ها بررسی کرده است. نک: حسین پاینده، گشودن رمان (تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۲).

۴۶. مسرور، ده نفر قزلباش، ص ۱.

میان خانواده برده، و به صورت کپسول تربیت و سعادت، به فرزندان خود بخوراند»<sup>۴۷</sup> و انتشار این کتاب را در جهت تجدید و احیای غرور ملی دانسته است.

این اظهارات آشکارا تحت تأثیر گفتمان ناسیونالیسم است. پس از این، پیش‌گویی دیگری از نویسنده با عنوان «پیش‌نگار» آمده است که در بند نخست آن به‌صراحت به ارتباط اثر و زمان نگارش و انتشار آن اشاره کرده است:

هنگامی ما به نشر داستان ده نفر قزلباش [شروع] کردیم که پس از شهریور ۱۳۲۰ بود، مردم ایران در اثر ناکامی‌های گوناگون و محرومیت‌های بسیار، مأیوس و دشمنان برای نابود کردن آثار معنوی و خاصیت‌های نژادی ما، با تشکیلات اساسی و نوبیاد، و برنامه‌های تخریبی دامنه‌دار، شروع به کار کرده بودند.<sup>۴۸</sup>

در این جا نیز نویسنده اثر خود را واکنشی به وضعیت سیاسی و اجتماعی سال‌های دهه ۱۳۲۰ می‌داند. در ادامه همین مطلب نویسنده زیر سه عنوان دیگر، مطالبی آورده که خود می‌تواند به عنوان پیش‌گویی‌هایی مستقل در نظر گرفته شود که مخاطب را به تدریج آماده ورود به متن اصلی رمان می‌کند. در زیر اولین عنوان، «در خرابات مغان نور خدا می‌بینیم» نوشته است: «دشت مغان یکی از نواحی اسرارآمیز و کانون کیش و آیین باستان، و شهر اردبیل و ساحل ارس، تکیه‌گاه ملیت و فرهنگ ایران پیشین بود.»<sup>۴۹</sup> سپس به پیوند کیخسرو با اردبیل، ساختن آتشکده‌های در آن جا و سکونت یک‌ساله او در آنجا و به مقدس بودن این سرزمین در دوره ساسانی نیز اشاره می‌کند. بعد به دوره بعد از اسلام می‌پردازد، از جنبش‌های شعوبی و جنبش خرمدینی و ابومسلم خراسانی توضیحاتی مختصر ارائه می‌دهد و با عطف توجه به موضوع دین به مخالفت عباسیان با تشیع اشاره می‌کند و می‌نویسد: «سرداران دیلمی و زیاری که خود را از نژاد ساسانی می‌شمردند، با رسمیت دادن به مذهب تشیع، آغاز پیشرفت کرده، بر بیشتر اقطار ایران مسلط شدند و کیش شیعه را که شامل آداب و سنن باستانی او بود و از حیث هدف‌های ملی، با ذوق و مشرب او سازش داشت، دین رسمی اعلام کردند.»<sup>۵۰</sup> پس از این، سیاست سلجوقیان مبتنی بر اتحاد با عباسیان و سنی‌گری آنان را دلیل ناآرامی، از میان رفتن اتحاد ملی و ویرانی در ایران دانسته، مورد انتقاد قرار می‌دهد و چنین ادامه می‌دهد: «در همین

۴۷. مسرور، ده نفر قزلباش، ص ۲.

۴۸. همان، ص ۵.

۴۹. همانجا.

۵۰. همان، ص ۶.

اوقات بود که اجاق‌زاده (شاه اسماعیل) از مهد ایرانیت باستان و مرکز روحانیت زردشتی قدیم (مغان) و گاهوارهٔ تصوف جدید (اردبیل) بیرون آمده بر اریکهٔ فرمانروایی نشست.<sup>۵۱</sup> در ادامه نیز شاه اسماعیل را با پادشاهان و بزرگان ایران پیش از اسلام پیوند می‌دهد. نویسنده در این پیش‌گویه آشکارا مذهب تشیع را با دین ایران پیش از اسلام و پادشاه صفوی را با پادشاهان ایران باستان یکسان می‌انگارد. عنوان بعدی صفویه نام دارد و زیر این عنوان بر «ایرانیت اسلامی یا اسلامیت ایرانی» که از اردبیل نشأت می‌گرفت، تأکید می‌کند. شعار صفویه را ایران برای ایرانی می‌داند و سیادت آنان را منکر شده، برای آنها نسبی ایرانی - به فیروزشاه زرین‌کلاه - در نظر می‌گیرد. البته اشاره می‌کند که این پادشاهان «با قوهٔ ایمان سلطنت می‌کردند.»<sup>۵۲</sup> به مبارزهٔ این سلسله با روس‌ها و عثمانی‌ها نیز اشاره می‌کند. عنوان پایانی پیش‌گویه قزلباش است و نویسنده ارتباط کلاه قرمز و دوازده ترک قزلباشان را نه نشانه‌ای از امامان دوازده‌گانه که نشانهٔ پیوند آنان با فیروزشاه می‌داند و نخستین فرد نامی این خاندان را مغی می‌داند که مسلمان شده است. در پایان نیز ایرانیان را به الهام گرفتن از قهرمانان گذشته در دفاع از بقای خود فرامی‌خواند.<sup>۵۳</sup>

نویسنده در این پیش‌گویه‌ها بر ناسیونالیسم و پیوند آن با مذهب تشیع تأکید کرده و آن را عامل نجات ایران دیده است. البته عامل پیوند دهندهٔ ناسیونالیسم و مذهب را نیز نظامی پادشاهی می‌داند. در واقع می‌توان پاسخ او به مشکلات کنونی کشور را در قالبی تحلیل گفتمانی این‌گونه مفصل‌بندی کرد. دو عنصر ناسیونالیسم (در اینجا نوعی از ایران دوستی که خالی از تمایلات نژادی نیست) و مذهب تشیع که حول دال مرکزی سلطنت طلبی مفصل‌بندی و در نتیجه معنای آن به طور موقت ثابت شده است (تبدیل به بُعد شده است). گفتمان رقیب نیز در این جا گفتمانی است که در طول تاریخ همراه با اعراب و در مخالفت با ایرانیان به جای تکیه بر مذهب ایرانی و ایران دوستی ترویج‌کنندهٔ مذهب اهل تسنن بوده است و از نظر سیاسی نیز در دوره‌ای به اعراب (عباسیان) و دوره‌های دیگر به حکومت عثمانی وابسته بوده است. در تحلیل نویسنده، مروجان تشیع از دیلمیان و آل زیار گرفته تا صفویان، نژادی ایرانی داشته‌اند و مروجان مذهب اهل تسنن از جمله سلجوقیان غیر ایرانی بوده‌اند.

۵۱. مسرور، ده نفر قزلباش.

۵۲. همان، ص ۷.

۵۳. همان، ص ۹.

## بررسی متن رمان ده نفر قزلباش

در بندهای نخستین رمان که می‌توان آن را نیز چون پیش‌گویی‌ای در نظر گرفت گره‌افکنی آغاز، و زمان و مکان داستان نیز مشخص می‌شود. شاه طهماسب صفوی پس از نماز جمعه از مسجد جامع قزوین در حال بیرون آمدن است که اطلاع می‌یابد عبدالله ازبک پسر اسکندر خان که از دشمنان دیرین ایران و خاندان صفوی است، حرمسرای پادشاهی را در راه هرات و خراسان در قلعه تربت به محاصره گرفته است. شاه جلسه‌ای برگزار می‌کند و در نهایت تصمیم می‌گیرند ده نفر قزلباش داوطلب با شکستن محاصره خود را به قلعه برسانند و به دلایل مختلف از جمله برای جلوگیری از بی‌حرمتی به اهالی حرم و خاندان صفوی دستور پادشاه مبنی بر قتل آنان را به رئیس غلامان خاصه، شاهوردی بیگ استاجلو برسانند. چند نفر از این ده نفر قزلباش موفق می‌شوند خود را به قلعه برسانند که اسکندربیگ، قهرمان اصلی این رمان نیز یکی از آنان است. سپاهیان عبدالله ازبک با دیدن قهرمانی‌های این ده نفر آنان را از پیش‌قراولان سپاه صفوی می‌پندارند و دست از محاصره برداشته، می‌گریزند. فردای روز مبارزه اهالی حرم برای بازدید صحنه نبرد به بیرون قلعه می‌روند و اسکندر با دیدن حوری خانم - دختری از اهالی حرم - دل‌بسته او می‌شود. سوژه یا فاعل شناسا در رویکرد تحلیل گفتمانی، مستقل و متکی به خود نیست. به عبارتی شخصیت، سوژه‌ای گفتمانی است و کنش‌های آن نیز در بستری گفتمانی صورت می‌گیرد و درک می‌شود. نخستین واکنش‌های اسکندربیگ پس از آشنایی با پری خانم در تحلیل داستان کمک می‌کند:

اسکندر نیز در پی ایشان روانه شد و از اینکه بر خلاف عقیده، به صورت دختری که آنرا 'نامحرم' و دیدن آن در مذهب مجاز نبوده، نظر کرده، نگران بود... او جز عشق به مرشد کامل، و شاه مردان 'علی' عشقی نداشت و عشق به مملکت قزلباش را با عشق به شاه طهماسب مخلوط کرده بود. او تصور نمی‌کرد ممکن است دختری او را دوست بدارد، یا طرف عشق زنی واقع شود.<sup>۵۴</sup>

قهرمانی که در این داستان در حال ساخته شدن است و قرار است سرمشق جوانان این مرز و بوم باشد، آشکارا سوژه‌ای گفتمانی است که به پادشاه، وطن و مذهب خود عشق می‌ورزد. کاربرد اصطلاح مرشد کامل برای پادشاه نیز در رویکردی تحلیل گفتمانی قابل فهم است و اشاره دارد به پادشاهی که بر اساس دین سلطنت می‌کند و به عبارتی دقیق‌تر یکی بودن دین و پادشاهی را در ذهن شخصیت نشان می‌دهد. با دقت در بخش‌های پایانی نقل قول یاد شده می‌توان طبیعی شدن این گفتمان را برای قهرمان اصلی آشکارا مشاهده کرد. این گفتمان چنان برای شخصیت اصلی



درونی شده است که وقتی در ۲۶ سالگی با زنی روبه‌رو می‌شود و به او احساس دل بستگی می‌کند، امری که قاعدتاً باید طبیعی باشد - بی‌درنگ عشق به میهن و پادشاه دیندار را به یاد می‌آورد؛ به گونه‌ای که گویی اولی غیرطبیعی و دومی طبیعی است. اینجا است که بحث هژمونیک کردن قدرت از طریق گفتمان‌های غالب خود را نشان می‌دهد. در نتیجه آنچه قرار است سرمشقی برای جوانان وطن باشد، چیزی جز خواست قدرت نیروهایی که در قالب گفتمان غالب خود را مفصل‌بندی کرده‌اند، نیست. رسوخ این گفتمان در ذهن اسکندر بیگ در حدی است که به موجب بالاتر بودن پری‌خانم از نظر موقعیت قدرت، او تا پایان رمان این رابطه سلسله‌مراتبی را با وجود شدت عاطفی این رابطه رعایت می‌کند. مثلاً در نخستین دیدار، حوری خانم هفده - هجده ساله که دل‌باخته اسکندر شده، برای اطمینان از مجرد بودن او می‌پرسد، چند فرزند داری؟ و او در پاسخ می‌گوید قربان زن نگرفته‌اند. با بررسی گفت‌وگوی حوری و اسکندر بیگ و اظهار نظرهای او درباره حوری در سرتاسر رمان حتی یک مورد پیدا نشد که اسکندر لقب خانم را از نام او حذف کند. نویسنده در پانویس رمان درباره خانم چنین می‌گوید: «کلمه خانم تازه در دربار معمول شده، از هم‌ردیفان خودش مانند سلطانم و بیگم جلو افتاده بود، و می‌رفت جانشین کلمه خاتون گردد.»<sup>۵۵</sup>

در نخستین دیدار، حوری به اسکندر می‌گوید: «تو در عوض جانبازی [بخوانیم: موفقیت در اجرای وظیفه در قالب سوژه گفتمانی مورد نظر] طرف مرحمت مرشد کامل خواهی شد»<sup>۵۶</sup> و از آجاکه پدر و مادر حوری در گذشته‌اند و تحت تکلف عموزاده پادشاه، ابراهیم بیگ است، به او می‌گوید در صورتی که موافقت پادشاه و ابراهیم بیگ جلب شود، می‌تواند نزد او خواستگار بفرستد.

کلیت پیرنگ این رمان را از طریق رویکرد تحلیل گفتمانی می‌توان تحلیل و تبیین کرد. چنانکه گفتیم فاعل شناسا در موقعیت‌های گوناگون هویت‌های متفاوتی دارد. می‌توان گفت گره اصلی پیرنگ این رمان که انگیزه تمامی کنش‌های قهرمان را از طریق آن می‌توان تبیین کرد، تعارض هویت عاشق و هویت کنشگر گفتمانی به عنوان یک سپاهی است. اسکندر مانند برخی از همراهانش می‌توانست از پادشاه ثروت و کسب مراتب بالاتر طلب کند و زندگی معمول خود را با رفاه بیشتر پی بگیرد. اما پادشاه اگرچه در آغاز با درخواست اسکندر موافقت و مراسم نامزدی رسمی نیز برگزار می‌نماید، زیرکانه از هویت عاشق اسکندر در جهت هویت سپاهی‌گری او استفاده می‌کند و در واقع هر دو را در عرض یکدیگر قرار می‌دهد. او با این بهانه که حوری خانم هنوز طفل

۵۵. مسرور، ده نفر قزلباش، ص ۵۸.

۵۶. همان، ص ۶۴.

است و اسکندر جوان، تصمیم می‌گیرد او را به مأموریتی جدید و مهم بفرستد تا «خدمتگزاری و شایستگی او به ساحت سلطنت مشهود گردد.»<sup>۵۷</sup> بدین طریق اسکندر پس از مراسم نامزدی، برای نظارت بر کارهای شاهزاده اسماعیل، دشمن جدی پادشاه، راهی قلعه قهقهه می‌شود؛ زیرا ولیعهد مورد نظر پادشاه، نواب حیدر میرزا است و به بیان یکی از شخصیت‌ها، اسماعیل میرزا «باید در قلعه قهقهه پیر شود.»<sup>۵۸</sup> یکی از شخصیت‌های مهم دربار، معصوم بیگ، قبل از رفتن اسکندر به قلعه به او می‌گوید: «شخص نوکر باید جز ارباب و مولای خود کسی را ننشاند...»<sup>۵۹</sup> این جا نیز بر هویت گفتمانی این شخصیت اصلی به عنوان سوژه تأکید می‌شود و طبیعی بودن این هویت اسکندر در کلام این شخصیت بدیهی انگاشته شده، بر آن تأکید می‌شود. این طبیعی‌شدگی هویت سوژه در پاسخ اسکندر به پیشنهاد همکاری اسماعیل میرزا در قهقهه تکرار می‌شود: «سرکار نواب، ما نوکریم و وظیفه ما فرمان برداری است... ما فدائی مرشدیم و هر چه ایشان امر فرمایند، باید از دل و جان پذیرا باشیم.»<sup>۶۰</sup>

راوی در جایی از رمان اشاره می‌کند در آغاز، عهد صفوی نیاز به وحدت و استقلال داشت و شاه اسماعیل اول نیز با جنگ‌های جسورانه آن را تأمین کرده بود، «اما شاه طهماسب که اوراق پریشان ایران را شیرازه می‌بست، دریافته بود که وحدت سیاسی ایران امری است محال و حفظ استقلال کشور او بدون یک مذهب رسمی متحد امکان‌پذیر نخواهد بود.»<sup>۶۱</sup> و اشاره می‌کند، وقتی که سفیر عثمانی پس از جنگ‌های طولانی به ایران می‌آید شاه طهماسب می‌کوشد نهایت عظمت و جلال دولت قزلباش را از نظر او بگذراند و اوضاع زمانه او را با زمانه کورش و دارا همانند می‌داند.<sup>۶۲</sup> نگاهی دوباره به مفصل‌بندی گفتمان سلطنت‌طلب در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، تطابق مفصل‌بندی پیش‌نهادی نویسنده را با آن آشکار می‌کند. افزون بر این، در نقل قول یاد شده پادشاه مالک کشور فرض شده است. اغلب رویدادهای اصلی این رمان آشکارا در چارچوب مفصل‌بندی یاد شده قابل تبیین است. ماجرای همکاری یهودی جواهرفروش با فرستادگان شاهزاده عباس میرزا را که در فصل هشتم و دهم رمان به تفصیل آمده نیز در جهت نقل قول یاد شده و اتحاد مذهبی مورد نظر

۵۷. مسرور، ده نفر قزلباش، ص ۷۴.

۵۸. همان، ص ۸۱.

۵۹. همان، ص ۸۰.

۶۰. همان، ص ۲۱۶.

۶۱. همان، ص ۸۲.

۶۲. همان، ص ۸۵.

نویسنده می‌توان تحلیل کرد.

راوی همچنین دلیل ستیزه‌جویی شاهزاده اسماعیل میرزا را در بافتی گفتمانی و مربوط به مسائل ملیتی و مذهبی می‌بیند: «مادرش گرجی [تأکید بر غیر ایرانی بودن مادر] و خودش در میان خوانین شافعی مذهب بزرگ شده، به این وسیله طبعاً مخالف شیعه و حکومت طهماسبی بود.»<sup>۶۳</sup> بدین سان، اغلب غیر سازی‌های این گفتمان از طریق تخاصم شیعه و سنی صورت می‌گیرد. در چنین بافتی حتی مخالفت فرزند شاه با پدر بر سر موضوع جانشینی در بستری مذهبی تحلیل می‌شود. یکی از شخصیت‌ها در این مورد به قهرمان رمان می‌گوید: «اسماعیل باطناً سنی است و به همین جهت خواندگار [= پادشاه عثمانی] او را فرزند نامدار خطاب کرده، به او نوشته است که اگر تاج و تخت قزلباش زیر فرمان شما باشد، رومیه دیگر از مطالبات و حقوق ارضی خود چشم خواهد پوشید...»<sup>۶۴</sup>

یکی شدن هویت قهرمان رمان با هویت گفتمانی یا به عبارتی طبیعی‌شدگی تبدیل او به سوژه‌ای گفتمانی در جای دیگری از رمان نیز آمده است. وقتی خبر مرگ پادشاه ورد زبان‌ها شده است و سپاهی از طالبان نیز در راه حمله به قلعه هستند، یکی از دوستانش که فرمانده نظامی است، به او پیشنهاد فرار می‌دهد. او با ارجاع به پیشگویی درویشی اقامت طولانی خود را در قهقهه تقدیرگونه می‌بیند و باز بر وظیفه خود در قبال پادشاه تأکید می‌کند.<sup>۶۵</sup> البته وقتی چاره‌ای نمی‌بیند، با سپردن قلعه به دستیار مخصوص خود، عبدالله، مخفیانه قلعه را ترک می‌کند و برای دور بودن از دسترس اسماعیل میرزا به سمت کردستان حرکت می‌کند.

به هر روی شاه طهماسب که به قول راوی «ملیتی واحد و کشوری هماهنگ و هم‌کیش به وجود آورد،»<sup>۶۶</sup> می‌میرد و اسماعیل میرزا نماینده گفتمان متخاصم، جانشین او می‌شود.

با جایگزینی اسماعیل میرزا به عنوان کارگزار<sup>۶۷</sup> گفتمان متخاصم همه رویدادهای رمان در جهت تخریب اوضاع مناسب و ایده‌آل قبلی توصیف می‌شود. در واقع در نگاهی تحلیل گفتمانی، برای

۶۳ مسرور، ده نفر قزلباش، ص ۲۰۹.

۶۴ همان، ص ۲۱۱.

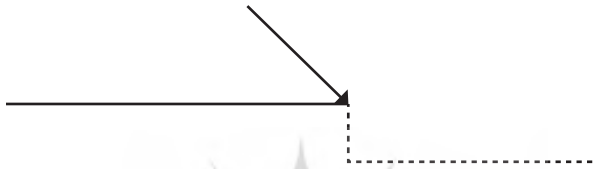
۶۵ همان، ص ۲۳۹-۲۳۸.

۶۶ همان، ص ۲۶۰.

۶۷ در خوانش گفتمانی، شخصیت تبدیل به سوژه‌ای گفتمانی می‌شود و استقلال و آزادی عمل خود را از دست می‌دهد. بدین دلیل در اغلب موارد در این تحقیق، از به‌کار بردن اصطلاح شخصیت، پرهیز شده و به جای آن دو اصطلاح سوژه (سوژه گفتمانی) و کارگزار به‌کار رفته است.

رمان - با وجود گره‌افکنی‌های فرعی در دل گفتمان سابق که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد - می‌توان پیرنگی کلی‌تر متصور شد. بدین شکل که دوره پادشاهی شاه طهماسب و استقرار گفتمان سلطنت‌طلب با بعدهایی چون ناسیونالیسم و مذهب شیعه، را موقعیت آغازین در نظر بگیریم و مرگ شاه و جایگزینی اسماعیل میرزا را که در نقش کارگزار اصلی گفتمان متخاصم نمود یافته، گره‌افکنی اصلی در ساختار رمان بدانیم.

عامل تخریب کننده: پادشاهی اسماعیل میرزا



موقعیت نخستین: دوره شاه طهماسب

پیش از این، ضمن توضیح گفتمان متضادی که شاه طهماسب کارگزار اصلی آن بود، درباره برخی از ویژگی‌های اسماعیل میرزا از جمله سنی بودن و نسبت او به مادری گرجی سخن به میان آمد. در این جا به برخی از اقدامات او در دوره پادشاهی‌اش اشاره می‌شود و چنانکه خواهیم دید همه این اقدامات در تضاد با گفتمان سابق و در جهت استقرار گفتمان تازه است. گفتمانی که عملاً موجب به‌هم‌ریختگی و ویرانی اوضاع کشور می‌شود. در این میان جایگاه راوی / نویسنده در روایت رویدادها نیز آشکارا در حمایت از گفتمان سابق و در تضاد با گفتمان جدید است. مهم‌ترین اقدامات شاه اسماعیل پس از به دست گرفتن قدرت از این قرار است: اعلام رسمی آزادی باده‌نوشی در جشن تاجگذاری پس از منع بیست ساله زمان شاه طهماسب<sup>۶۸</sup> احضار کردن سرداران و سپاهیان از سرحدات موصل و قارص که مرز ایران با عثمانی بود؛ وعده حکومت به «مشتی ارادل و اوباش» که در زمان «شاه مغفور اجازه ورود به عالی قاپو را نداشتند»<sup>۶۹</sup> برگزاری اولین نماز جمعه پس از تاجگذاری به سنت شافعی؛<sup>۷۰</sup> در عمل غیر سازی گفتمان پیشین، حکومت عثمانی دشمن محسوب می‌شد، اما پادشاه اعلان می‌کند که «ما دیگر با خواندگار جنگ نداریم و مانند برادر با یکدیگر

۶۸. مسرور، ده نفر قزلباش، ص ۲۶۶.

۶۹. همان، ص ۲۶۹.

۷۰. همان، ص ۲۷۷.

سلوک خواهیم کرد»<sup>۷۱</sup> و در دنباله همین سیاست به بازگرداندن اسیران رومیه با اسب و خلعت به کشورشان اقدام می‌کند.<sup>۷۲</sup>

در این میان به موجب اقدامات شاه نارضایتی زیاد شده، مردم کشور سر به شورش می‌گذارند. پری خانم با ابراهیم میرزا برای تغییر سلطنت وارد مذاکره می‌شود.<sup>۷۳</sup> البته پری خانم از آنجاکه به برادر مضمون شده بود، پیش از این در فرصت سه‌ماهه‌ای که اسماعیل به موجب حکم منجمان به قزوین وارد نمی‌شد، نقش‌های طرح کرد تا در وقت ضرورت بتواند شاه اسماعیل را از طریق سرداران و دست‌نشاندها خود از سلطنت خلع نماید.<sup>۷۴</sup> شاه از جلسه پری خانم و ابراهیم میرزا آگاه می‌شود و پس از مدتی پسری زیباروی را که جلودار و مورد علاقه پری خانم بود، می‌کشد و پس از چندی ابراهیم میرزا را نیز به قتل می‌رساند. به موجب شورش‌ها و آگاهی از تصمیم پری، احساس خطر می‌کند و متوجه جانشینان احتمالی خود، یعنی برادرش محمد میرزا، حاکم فارس و فرزند او، عباس میرزا حاکم هرات می‌شود. محرمانه مأمورانی برای اجرای فرمان قتل دو نفر دیگر به شیراز و هرات می‌فرستد. فرمان قتل اسکندر را نیز صادر می‌کند که البته به کمک عبدالله موفق به فرار می‌شود. اما در این زمان با نقشه خواهر مسموم شده، به قتل می‌رسد. در نهایت اسکندر مأمور می‌شود به شیراز برود و خبر کشته شدن شاه اسماعیل و لغو فرمان قتل محمد میرزا را به همراه خبر پادشاهی او برساند. در نهایت اسکندر در رساندن به موقع خبر موفق می‌شود و پس از همراهی با موبک محمد میرزا تا قزوین، به مقامی عالی و وصال حوری نیز می‌رسد. فردای پادشاهی محمد شاه «اوضاع آشفته شهر رو به آرامش نهاد و تحولاتی که در مدت سلطنت شاه اسماعیل واقع شده بود، به حال نخستین بازگشت. مجامع تبلیغاتی علمای سنت بسته گردید...»<sup>۷۵</sup>. بدین طریق محمد میرزا به عنوان پادشاه نقش گفتمانی خود را در تخریب گفتمان موجود و استقرار گفتمان پیشین پی‌گرفت.

## نتیجه‌گیری

رویدادهای ده نفر قزلباش در دوره پس از اسلام، دوره صفویه، می‌گذرد. بر پایه تحلیل که

۷۱. مسرور، ده نفر قزلباش، ص ۲۶۹.

۷۲. همان، ص ۲۷۰.

۷۳. همان، ص ۳۰۴.

۷۴. همان، ص ۲۷۶.

۷۵. همان، ص ۴۰۳.

ارائه شد، گفتمان مفصل‌بندی شده در این رمان را می‌توان گفتمان ناسیونالیسم یا گفتمان ایرانی نامید. اما این گفتمان ملی‌گرا آشکارا با گفتمان ملی‌گرایی که در بحث از گفتمان‌های سیاسی عمده در مقطع سیزده ساله بدان پرداختیم، متفاوت است. در این گفتمان ملی‌گرا، پادشاه یا نظام پادشاهی در جایگاه نقطهٔ پیوند یا دال مرکزی قرار گرفته است. یکپارچگی سرزمینی، مذهب شیعه، اخلاق عمومی مذهبی، بیگانه‌ستیزی (در قالب یکسانی دشمن مذهبی و ملی)، و نژاد ایرانی نیز مهم‌ترین بُعدهای گفتمان مفصل‌بندی شده در این رمان هستند. اگرچه این گفتمان با قرار گرفتن پادشاه در جایگاه دال مرکزی آن، آشکارا گفتمانی طرفدار سلطنت نیز هست، چنانکه می‌بینیم نظم پیشنهادی این روایت با مفصل‌بندی گفتمان اسلام - که در بخش‌های پیشین این جستار بیان شد - نیز شباهت‌های بسیاری دارد. در واقع گفتمان پیشنهادی این رمان نوعی برداشت از ملیت‌گرایی است مبتنی بر نظام پادشاهی با تأکید بر بُعدهای مذهب شیعه و البته ارتباط دادن این مذهب با دین ایرانیان باستان. در نتیجه، دربارهٔ ارتباط گفتمانی این رمان با گفتمان‌های اصلی دورهٔ مورد نظر، باید گفت این گفتمان با گفتمان اسلامی قرابت بیشتری دارد؛ در بُعدهایی اندک با گفتمان سلطنت‌طلب و پس از آن با گفتمان ناسیونالیستی نیز قرابت‌هایی دارد. گفتمان پیشنهادی این رمان در هیچ‌یک از ابعاد با گفتمان مارکسیستی در پیوند نبود. بر پایهٔ تحلیل‌های ارائه شده و همچنین توضیحات بالا می‌توان نتیجه گرفت که نظم پیشنهادی این اثر یا به عبارتی مفصل‌بندی گفتمانی این رمان تاریخی، با جود پذیرفتن نظام پادشاهی به عنوان دال مرکزی، با گفتمان اسلامی قرابت بیشتری دارد. به شکلی دقیق‌تر می‌توان گفت گفتمان این اثر ناسیونالیسمی است که برخی بُعدهای گفتمان مذهبی و سلطنت‌طلب را در خود مفصل‌بندی کرده است.

این تحقیق ضمن اثبات پیوند میان ادبیات و تاریخ، از چگونگی این پیوند نیز تحلیلی گفتمانی ارائه کرد، تحلیلی که نشان می‌دهد رمان پاورقی که در نوع رمان‌های تاریخی دسته‌بندی می‌شود - در اینجا مربوط به دورهٔ صفویه - از جهات گوناگون از انتخاب دورهٔ تاریخی رویدادهای روایت تا انتخاب قهرمانان و کنش‌های آنان در بافت تاریخی آفرینش و انتشار اثر نیز قابلیت تحلیل و رمزگشایی دارد. طبق این تحلیل، گفتمان این اثر تاریخی را می‌توان پیشنهادی در برابر فضای سیاسی اجتماعی دورهٔ مورد نظر دانست، پیشنهادی که، با توجه به شمارگان بالا و چاپ‌های متعدد این اثر، عامهٔ مردم نیز از آن استقبال کردند.



## کتابنامه

- آرین‌پور، یحیی. *از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)*. جلد دوم. چاپ پنجم. تهران: انتشارات زوار. ۱۳۷۲.
- اساسنامه حزب توده. تهران: حزب توده ایران. مهر ۱۳۶۱.
- الهی، صدرالدین. «درآمدی بر مقوله پاورقی‌نویسی در ایران». *ایران‌شناسی*. بخش ۱. شماره ۲. تابستان ۱۳۷۷. ص ۳۴۱ - ۳۲۷؛ بخش ۲. شماره ۳. پاییز ۱۳۷۷. ص ۵۶۲ - ۵۴۸؛ بخش سوم (الف). شماره ۴. زمستان ۱۳۷۷. ص ۷۳۳ - ۷۱۶؛ آخرین بخش. شماره ۴۱. بهار. ۱۳۷۸. ص ۱۲۴ - ۱۰۱.
- بالایی، کریستف. *پیدایش رمان فارسی*. مترجمان مهوش قویمی و نسرين دخت خطاط. تهران: انتشارات معین - انجمن ایران‌شناسی فرانسه. ۱۳۷۷.
- برزین، مسعود. «تجربه و تحلیل آماری مطبوعات ایران: ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی». شماره ۴ و ۵. تیر و مرداد. ۱۳۶۳. ص ۱۲ - ۷؛ شماره ۸ و ۹. آبان و آذر ۱۳۶۳. ص ۵۶۴ - ۵۵۸.
- بهزادی، علی. «ظهور، اوج و سقوط پاورقی‌نویسی در مطبوعات ایران». *گردون*. خرداد و تیر ۱۳۷۳. شماره‌های ۲۶ - ۲۵. ص ۴۴ - ۴۲.
- پاینده، حسین. *گشودن رمان*. تهران: انتشارات مروارید. ۱۳۹۲.
- \_\_\_\_\_ *گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی*. چاپ دوم. ویراست جدید. تهران: انتشارات نیلوفر. ۱۳۹۰.
- دهخدا، علی‌اکبر. *گفت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران: ۱۳۷۶.
- سلامی، غلامرضا. *روستایی*. محسن. *اسناد مطبوعات ایران: ۱۳۳۲ - ۱۳۳۰*. جلد اول: کلیات و قوانین. تهران: سازمان اسناد ملی ایران. ۱۳۷۴.
- قاسمی، سید فرید. «سراغاز پاورقی‌نویسی در ایران». *جهان کتاب*. شماره ۱۱۳ و ۱۱۴. آذر. ۱۳۷۹. ص ۱۸.
- قویمی، مهوش. *گذری بر داستان‌نویسی فارسی*. تهران: نشر ثالث. ۱۳۸۷.
- مسرور (سخنیار)، حسین. «ده نفر قزلباش». *روزنامه اطلاعات*. پیاپی روزانه از سال بیست و دوم. شماره ۶۵۶۹. شنبه اول اسفندماه ۱۳۲۶. تا سال بیست و سوم. شماره ۶۶۷۳. سه‌شنبه هشتم تیرماه ۱۳۲۷.
- \_\_\_\_\_ *ده نفر قزلباش*. تهران: بنگاه انتشاراتی مرجان. ۱۳۳۵.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر. ۱۳۶۴.
- Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal. *Hegemony and Socialist Strategy, towards a radical democratic politics*. London & New York: Verso, 1985.
- Laclau, Ernesto. *Politics and Ideology in Marxist Theory: Capitalism, Fascism, Populism*. London: New Left Books, 1977.
- Weber, Barret. "laclau and Žižek On Democracy and Populist Reason." *International Journal of Zizek Studies*. Vol. 5, No 1. 2011.
- Geoff Boucher, *the Cahrmond Circle of Ideology: A Critique of Laclau&Mouffe, Butler and Žižek, re-ress*. Melbourne, 2008. Available at: <http://www.re-press.org>



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی